

بررسی کیفی نظریه های الگوهای شهری در در ساخت بناهای میان افزا در بافت تاریخی

پیمان بهرامی فر^۱، وحید قبادیان^{۲*}، مهناز محمودی زرنندی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۸

چکیده

در کشور ایران قوانینی در جهت ساخت بناهای میان افزا در بافت تاریخی وجود ندارد از سویی برنامه‌ی مشخصی نیز در سازمان‌هایی مانند میراث فرهنگی، وزارت راه و شهرسازی و دیگر سازمان‌های مرتبط بصورت قوانین مدون و سازمان یافته وجود ندارد و تمامی این سازمان‌های نامبرده تابع قوانین منشور آتن هستند که این قوانین و آیین‌نامه‌ها بین‌المللی است و به جنبه بومی توجه ای ندارند؛ هرچند اجرای این قوانین در سازمان‌های ایرانی باعث ایجاد نظم ساختاری در ساخت بناهای میان افزا شده است؛ اما مدت زمان زیادی است که بدون به روزرسانی و توجه به بوم مورد استفاده قرار می‌گیرد. الگوهای ساخت در بافت‌های تاریخی معرض اختلاف نظرهای فراوان در میان نظریه پردازان می‌باشد. **روش شناسی** در این پژوهش به دسته بندی الگوهای شهری در معماری بدنه‌های تاریخی در ساخت بناهای میان افزا در بافت تاریخی پرداخته شده است. بحث همچنین در این پژوهش الگوهای شهری در ساخت بناها در بافت تاریخی به سه دسته بندی الگویی شامل ۱. الگوی "آرایی/ تزئینی" ۲. الگوی "عملکردگرا/ برنامه محور" ۳. الگوی "ادراکی/ زمینه گرا" تقسیم بندی شده و **نتیجه گیری** در ادامه به مزایا و معایب و نظریات سایر نظریه پردازان در ارتباط با هر کدام از الگوها و نمونه های اجرا شده پرداخته شده است. امید است با بررسی این موضوع بتوانیم چهارچوب مشخصی برای ساخت بناهای جدید در بافت های تاریخی در شهرهای مختلف ایران دست یابیم.

کلمات کلیدی

الگوی شهری_ بناهای میان افزا_ بافت تاریخی_ معماری بدنه‌های تاریخی_ بافت تاریخی شهری

۱- دانشجوی دکتری تخصصی، گروه هنر و معماری، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی

۲- دانشیار، گروه هنر و معماری، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳- دانشیار، گروه هنر و معماری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۱. مقدمه

قدمت آموزه‌های مرمت به پایان قرن نوزدهم بازمی‌گردد و تا قبل از تدوین آن، به دلیل ابعاد کوچک تغییرات در هنجارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در قرن نوزدهم، هیچ جهت مشخصی در مورد چگونگی ساخت سازه‌های جدید در بافت‌های تاریخی وجود نداشت. (قدیری، ۲۰۰۶). طرح ملزومات حفاظت و مرمت بناهای تاریخی که در قرن نوزدهم امکان و پیدایش مليله کاری با افراطی دیدگاه‌های اوژن ویولت لدو و جان راسکین و اوژن ویولت لو دوک همراه با ضرورت آغاز شد، تخریب و بازسازی، برای بازگرداندن ساختمان به شکل اولیه خود به خاطر یکپارچگی و به سبکی که تصور می‌شد وضعیت ساختمان را روشن کند. او با بیان اینکه فضاهای معماری به تناسب نیازهای انسان مدام در حال تغییر و تحول هستند، به تناسب حجم‌ها اهمیت زیادی می‌دهد و معتقد است اگر تناسب لازم در آثار هنری رعایت نشود، دیگر اثر هنری نیستند.

ویولت لدو معتقد است که رعایت «وحدت سبک» در ساختمان برای ایجاد روحیه در آثار هنری ضروری است و سعی می‌کند ویژگی‌های خاص دوره‌ای را که اثر به آن تعلق دارد را در اثر نشان دهد. او مانند یک منتقد و محقق تاریخ، ایده‌های جدیدی را درباره دوره خود بیان می‌کند و از آنچه به عنوان یک معمار می‌بیند پیروی می‌کند و می‌گوید که یک معمار خوب قبل از هر چیز باید تخصص و تسلط داشته باشد تا مورد تحسین قرار گیرد، زیرا ساختن خانه توسط هر کسی ساخته می‌شود، اگر همه نمی‌توانند تناسب، استحکام و عملکرد مناسب را رعایت کنند اما از سوی دیگر، جان راسکین، نظریه دخالت حداقلی در وجود مادی بناهای باستانی را از نظر تسلیم و ولایت بر طبیعت و پدیده‌های فرسایشی آن می‌داند و راسکین معتقد است: بنای قدیمی یک سند تاریخی است و حتی الامکان باید برای جلوگیری از هرگونه تداخل در وضعیت آن مورد توجه قرار گیرد، زیرا جداسازی بناهای مهم تاریخی از بناهای اطراف هویت آن را کم‌رنگ می‌کند.

او با روحیه‌ای کاملاً عاشقانه و با نگاهی کاملاً مهجور و الهام گرفته به گذشته به احیای دقیق تاریخ پرداخت و سعی کرد تحولی اساسی در اندیشه فرهنگی مردم ایجاد کند و یکی از مشهورترین آثار او «هفت مشعل معماری» است که در سال ۱۸۴۸ منتشر شد، هفت مشعل او عبارتند از: حقیقت، فداکاری، قدرت، زیبایی، زندگی، حافظه و اطاعت. افزودن بناهای جدید به بناهای تاریخی با هدف کارآمدتر ساختن بناهای قدیمی تکمیل شد و در کنار نظریات وی که معتقد به عدم تقلید از سبک‌های معماری قبلی است، بر لزوم ایجاد تفاوت بین سبک جدید و قدیم تاکید می‌کند و نکاتی پیشنهاد کرد تاثیر زیادی در تدوین و شکل‌دهی اولین منشور معماری دارد.

- الف: جایگزینی مفاهیم معماری به جای ویژگی‌های فرم و سبک: مفهوم معماری مهم است نه سبک و فرم آن.
- ب: جاودانگی بناها و گروه‌های تاریخی: دمیدن جان تازه‌ای به کالبد کهنه باعث زنده شدن بناها و گروه‌های تاریخی می‌شود.

وقتی اثری تولید می‌شود، یک اتفاق مادی می‌افتد، اما پس از یک نسل تعاملات غیرمادی و فرهنگی، وارد کار می‌شود و معنای فرهنگی پیدا می‌کند. کاملوزیت بر این باور است که توجه به ویژگی‌های بافت‌های باستانی و تحقق الفبای مرمت به عنوان راهنمای معماران عصر امروز ضروری است و اندیشه‌های کاملوزیت به دلیل علاقه و علاقه خاص به فرهنگ، بازتاب و تداوم ملموسی در فرهنگ دارد. گروه‌های معماری متعلق به گذشته مرمت معماری شهری ارزش هر ساختمان به محیط اطراف آن بستگی دارد و موضوع اصلی در این نظریه روابط فضایی ساختمان و محیط آن است نه روابط عملکردی ساختمان‌ها و فضاهای خالی مجاور آنها. اولین کسی که نظرات کتبی خود را در مورد سازه‌های جدید، جیوانینی» و جیوانینی بر عدم ساخت بنای مدرن در کنار بنای تاریخی به دلیل توهین به سبک آن تأکید می‌کند و در عین حال توصیه می‌کند سبک بنای تاریخی را گرفته و به شکلی ساده و مختصر ارائه کنند و در جای دیگر می‌گوید: می‌توانیم در کنار بنای قدیمی یا بخشی از بنای تاریخی تخریب شده ساختمان بسازیم. وی در خصوص آثار باستانی دوران کلاسیک می‌گوید: آثار باستانی دوران کلاسیک آثاری مرده هستند، زیرا آثار آنها تنها نمایشی برای بازدید از گردشگران و پذیرایی از تماشاگران است و تمام گفته‌ها و تجربیات او در سال‌های قبل از کنفرانس آتن تأثیرگذار بوده است. در ذهن اهالی فرهنگ، معماران و باستان‌شناسان قرار گرفت و سرانجام توانست نقش و تأثیر بسزایی در تأسیس و تدوین کنگره بین‌المللی آتن داشته باشد. (یوکیلتو ۱۹۹۹، ص ۲۴۳) در سال ۱۹۸۳ در شهر رم اجلاس مشترکی توسط ایکروم و ایکوموس با همکاری «بخش میراث فرهنگی یونسکو» برگزار و نتایج حاصله در سال ۱۹۹۳ به شکل رهنمودهایی برای محوطه‌های میراث فرهنگی منتشر شد. ایکروم در قسمتی از بخش نهم کتاب راهنمای مدیریت برای محوطه‌های میراث جهانی با عنوان «برنامه ریزی شهری و شهرهای دارای آثار باستانی در جهان» نتیجه حدود ده سال همکاری متخصصان حفاظتی و مدیران میراث جهانی کشورهای مختلف جهان را در معرض استفاده همگان قرارداده است. (ایکوموس: ۱۹۹۲) در این کتاب نخستین بار واژه «بناهای میان‌افزا» به منظور حضور ساختارهای جدید در زمینه‌های تاریخی مطرح و ویژگی‌هایی برای آن برشمرده شد. (شاه تیموری: ۱۳۹۱، ص ۲)

برنارد فیلدن و یوکا یوکیلتو معتقد هستند که توسعه‌های جدید در یک محیط با ارزش باید خصوصیت آن مکان را درک کنند و با شیوه‌های مربوط به زمان معاصر به آن پاسخ دهند. از این رو آنچه که می‌بایست به عنوان یک اصل کلیدی در شرایط مختلف در زمینه‌های تاریخی مورد توجه قرار گیرد، این است که "ساخت و سازهای جدید باید روح زمان حاضر را القاء و بیان کنند، ولی در عین حال طرح آنها باید زمینه‌ی تاریخی‌ای که در متن آن قرار گرفته‌اند را مورد توجه قرار دهد. (فیلدن: ۱۹۹۳) راه حل‌ها و مسایل مربوط به طراحی این گونه بناها، بر اساس ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی خاص منطقه تاریخی مورد نظر، نوع وضعیت ساختارهای موجود، میزان همگونی با محل و غیره متفاوت خواهد بود" (یوکیلتو: ۱۳۸۷) برنت سی برولین در کتاب معماری زمینه‌گرا بیان می‌کند برای طراحی ساختمان‌های جدید به صورت همگون و موافق با زمینه‌ی معماری‌اش روش‌های مختلفی وجود دارد. از یک سو طراح می‌

تواند عیناً عناصر معماری را از ساختمان های اطراف کپی کند و از سوی دیگر از فرم های کاملاً جدید برای دگرگون کردن و بهبود بخشیدن ویژگی های بصری ساختمان های موجود بهره جوید. نظریه ی «معماری زمینه گرا» مبتنی بر هریک از این راهکارها و یا راهی میانه، رضایت بخش است، مشروط به این که با مهارت انجام گیرد. (برولین، ۱۳۸۶)

جدول ۱ رویکردها و دیدگاهها در باب الگوهای شهری تاثیرگذار

Approaches and views about influential urban patterns

معايب	مزایا	دیدگاه	رویکرد
• تکرار تقابل بسبب اغتشاش و بی اثری • ارائه راه حل های ضعیف • ایجاد محیطی سردرگم و گیج • تعریف عدم رابطه به عنوان زیبایی	• تاثیر گذاری در استفاده به صورت استثنا • سهولت کاربرد برای معماران و آزادی در کاربرد خلاقیت به معنای مدرن	عدم تطابق گذشته با تعریف بسته ی معماران مدرن از "روح زمان"	تقابل
• تخریب یکپارچگی بصری شهر	• بیان عدم رقابت بنای جدید و قدیم	نپذیرفتن اغتشاش بصری تقابل خلوص مدرنیسم با گذشته	اتصال عقب نشینی، انفصال)
• خطر "التقاطی گری"	• امکان استفاده از جزئیات اصیل و مدرن با شرط "حفظ روحیه"	همخوانی بصری با استفاده از جزئیات	استفاده از جزئیات معماری

گرچه برولین خود منتقد رویکرد های تقابل و اتصال است ولی به استفاده از جزئیات اهمیت داده تا جایی که رعایت "حد نصاب بصری" را بدون جزئیات عامل اغتشاش دانسته و عدم رعایت آن را با انجام به جای تزیینات عامل همخوانی می داند (برولین، ۱۳۸۳). برولین تنها راه ایجاد پیوند مستحکم بین ساختمان جدید و ساختمان های مجاورش را اقتباس از مایه ای اصلی یا فرم های همجواری ها می داند. این ارتباط می تواند به چند روش انجام شود. به بیان و بررسی انواع اقتباس با مزایا و معایب هریک می

پردازد. جدول ۲ روش های اقتباس از طرح های موجود در همجواری ها برای طراحی (حسینی قره آغاچی: ۱۳۹۳: ۱۵۱)

Methods of adapting existing designs in neighborhoods for design (Hasinchi Qara Aghachi: 2013: 151)

نمونه	موانع و معایب	انواع اقتباس
الحاق به موزه ی فریک، نیویورک سیتی (وان دایک، ۱۹۷۷)	صرف هزینه های بالا در برخی موارد محدود کردن معمار به فرم های اقتباسی	کپی برداری نزدیک از درون مایه ی اصلی طرح موجود
خانه ی برانت، برمودا (ونتوری، ۱۹۷۷)	روش، محدود کردن معمار به فرم های اقتباسی	استفاده از اساس فرم های مشابه ولی با چیدمانی جدید
الحاق به کوئینسی مارکت، بوستون (بنجامین تامپسون، ۱۹۷۶)		ابداع فرم های جدیدی با همان تاثیر بصری فرم های قدیمی
ساختمان ملی پرمنت، واشنگتن دی سی (هارتمن و کاکس، ۱۹۷۷)	قابل درک نبودن رابطه ی بصری در فواصل نزدیک به علت نبود جزئیات	تجرید فرم های اولیه

گوردن کالن معتقد است برای حل مسائل کیفی شهرها باید از آنها درس گرفته و به نوعی ارزش های سنتی را به شهرها، بازگرداند. او تداوم سنت شهرسازی و معماری گذشته را "ابزار طراحی" برای نیازهای زمان حال می دانست و به شهرسازی و معماری توصیه می کرد که به اندازه ایجاد کالبد جدید، به بازآفرینی گذشته از طریق ایجاد روابط جذاب میان ناظر و گذشته اهمیت دهند. (گزیده منظر

شهری، ص ۷) کالن رویکردی محتاطانه و تدریجی در مورد چگونگی دخالت در بافت‌های تاریخی و اقدامات شهری به طور کلی داشت و از اقدامات سریع و فوری که منجر به تخریب وضعیت موجود می‌شود، بیزار بود و معتقد بود که طراحی شهری وسیله‌ای برای اتصال مجموعه‌های موجود به جای تخریب آنهاست. روش او این بود که بدون از بین بردن وضعیت اولیه و اولیه، به ساختار موجود بیفزاید و از این رو سعی کرد از عناصر وحدت بخش، مانند ایجاد فضا، برای ترکیب جرم و فضا، اینجا و آنجا، مالکیت خصوصی و عمومی استفاده کند. در داخل و خارج، همچنین با در هم تنیدن مطالعات ساختار تاریخی در مداخلات شهرسازان، هدف وی طراحی ساختاری بصری است که به شهر وضوح و شخصیت ببخشد. یکی از اهداف اصلی طراحی آن ارتباط بین گذشته و آینده و ارتباط بصری دائمی و منسجم با سایر نقاط شهر است. او به شهر به عنوان یک کل نگرینست و توجه به بناهای منفرد و نادیده گرفتن کلیت را نادرست دانست و اظهار داشت که شخصیت و زیبایی شهر تنها تحت تأثیر ساختمان‌ها نیست، بلکه از نوع ارتباط آنها با یکدیگر تأثیر می‌گذارد. (گاسلینگ: ۱۹۹۶، ص ۴۳). ریچارد هدمن با استفاده از رویکرد زمینه گرا، در کتاب طراحی اساسی شهری، اصول و معیارهای طراحی را برای مداخله مناسب و معقول در فضای فیزیکی ارائه می‌کند. طراحی زمینه گرا به این معنی است که ارتباط بصری کافی بین ساختمان‌های موجود و طرح پیشنهادی وجود دارد، به طوری که نتیجه یک شکل‌گیری پیچیده منسجم است. معرفی و تأکید می‌کند که معیارهای مورد استفاده برای تحلیل نباید بر اساس یک فهرست از پیش تعیین شده، بلکه بر اساس واقعیت موجود باشد. کریر عنوان می‌کند: که ترکیب یک نما با در نظر گرفتن نیازهای عملکردی (پنجره‌ها، درهای بازشو، سایبان و سطح مسقف) اساساً باید به دنبال خلق یک کلیت هماهنگ به وسیله تناسبات خوب، وزن‌های عمودی و افقی، مصالح، رنگ و عناصر تزئینی باشد (خاک زند و همکاران: ۱۳۹۳، ص ۱۷).



شکل ۱ نکات کلیدی استخراجی از نظریه پردازان خارجی بر تحولات معماری بدنه‌های تاریخی (مأخذ: نگارنده)

Key points extracted from foreign theorists on architectural developments of historical bodies (source: author)

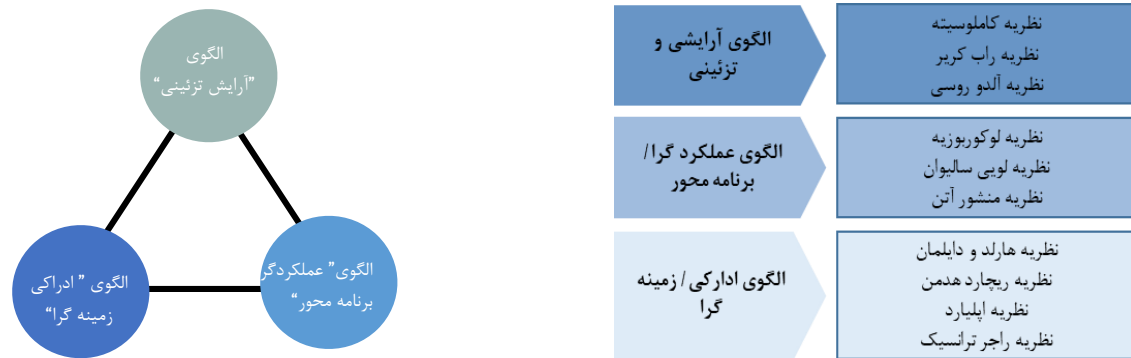


شکل ۲ جمع بندی نظریات نظریه پردازان در باب الگوهای طراحی شهری در بافت های تاریخی
Summary of theorists' ideas about urban design patterns in historical contexts

از مجموع دیدگاه های مطروحه در باب الگوهای طراحی شهری که توسط نظریه پردازان مختلف بیان شده است روند تکاملی مفهوم بدنه های شهری را در تناظر با الگوهای گوناگون طراحی شهری در قالب ۳ الگو می توان صورت بندی کرد:

۱. الگوی "آراییشی/تزئینی"
۲. الگوی "عملکردگرا/برنامه محور"
۳. الگوی "ادراکی/زمینه گرا"

که در ادامه به بررسی هر یک از الگوها پرداخته و جزییات هر کدام از الگوها رو مورد بررسی قرار می دهیم.



شکل ۳ طبقه بندی الگوهای شهری در یافت تاریخی با نظریه پرداز هر الگو
Classification of urban patterns in historical context with the theorist of each pattern

۲. الگو بدنه شهری آرایشی و تزئینی و ویژگی های آن

مهم ترین ویژگی «بدن شهری آرایشی/دکوراتیو» درک بدنه شهری به عنوان «نمای پنجره دو بعدی» است. اساساً دیوارهای دو بعدی که به ندرت با ساختار فضایی اطراف ارتباط برقرار می کنند و شبیه یک لباس نازک و مجلل هستند که بر روی شهر پوشانده شده است. دیوارهای مذکور شهر را زینت داده و زشتی های آن را می پوشانند و به نوعی به زیبایی و هنر شهر می افزایند (گلکار: ۱۳۸۷، ۱۹۹۵).

۱. منظم بودن طراحی دیوارها (به مفهوم انطباق همه ساختمان ها با اصول طراحی «استریوسکوپیک» رایج در سنت کلاسیک که بر اساس آن نمای هر ساختمان به سه قسمت «پایه» تقسیم می شود، «بدنه» و «تاج» و در نتیجه مفصل بندی باعث ایجاد سه قسمت و آرایش در عرض دیوارها می شود.

۲- وجود تداوم و کشش افقی در نمای کلی خیابان ها.

۳. داشتن یک خط افق صاف و تقریباً بدون وقفه های بزرگ،

۴. وجود نماهای بی پایان ایجاد شده تحت تأثیر قوانین پرسپکتیو در مورد خیابان های مستقیم و طولانی و استفاده از عناصر جانبی (مانند ستون های یادبود، مجسمه ها و ...) برای مسدود کردن نماهای بی پایان خیابان.

ویژگی های اصلی بدن شهری رمانتیک، مانند مناظر بدنه خیابانی آمستردام و نروژ، را می توان در این اصول خلاصه کرد:

۱. تنوع در بیان و واژگان طراحی معماری ساختمان ها به گونه ای است که منجر به تشکیل دیواری به اصطلاح «چند صدایی» می شود.

۲. وجود کشش عمودی در نمای خیابان در نتیجه مجاورت ساختمانهای با ارتفاعات مختلف.

۳. وجود خط آسمان منقطع و شکسته.

۴. وجود نماهای بسته به گونه ای که هر خیابان ابتدا و انتهای مشخصی داشته باشد و در بدنه رمانتیک شهری عناصر دیواری به عنوان عناصر تکمیل کننده عمل کرده و جلوی دید را می گیرند، بنابراین بر خلاف نماهای کلاسیک محدودیتی برای استفاده از آن وجود ندارد. ستون های یادبود، مجسمه ها و غیره به عنوان عناصر. (گلکار: ۱۳۸۷، ص ۹۵)

شیء شهری آرایشی/تزئینی در واقع دارای دو نقش کاربردی و زیبایی شناختی (عینی) است. از نظر عملکردی، این بدنه شهری:

۱. نقش پاکت جداکننده در داخل و خارج ساختمان

۲. قش عنصر سازه (دیوارهای باربر).

۳. نقش تامین نور و هوا را ایفا می کند.

این شیء شهری نقش زیبایی شناختی بسیار غالبی دارد زیرا اولاً دیوار به عنوان عنصری تزئینی و زینتی مطرح می شود و ثانیاً اصل زمینه گرایی فرمال در آن رعایت می شود. این زمینه سازی گاه مستقیماً و از طریق اعمال اصول طراحی سیستماتیک کلاسیک به دست می آید و گاه نتیجه «زمینه سازی غیرمستقیم» نهفته در منظر شهری رمانتیک است که خود از محدودیت های فناوری، مصالح ساختمانی و کاربری ناشی می شود. از واژگان معماری محلی و سوم، «شیء زیباشناختی/تزئینی شهری» نیز نقش نمایش ارجاعات تاریخی و نمادین را ایفا می کند. (سیتی ۱۹۹۸:۱)



شکل ۴ منظر شهری کلاسیک، خیابان امام

خمينی، تهران

Classic urban landscape, Imam
Khomeini Street, Tehran

۲.۱. ویژگی های عمده بدنه شهر کلاسیک

۱. منظم بودن طراحی دیوار

۲. در نمای کلی خیابان ها تداوم و کشش افقی وجود دارد

۳. وجود یک خط صاف از آسمان و تقریباً بدون شکستگی بزرگ

۴. وجود پرسپکتیوهای بی پایان که تحت تأثیر قوانین پرسپکتیو در خصوص خیابان های مستقیم و طولانی ایجاد شده است.

۵. از وسایل جانبی برای جلوگیری از محوطه سازی بی پایان خیابان استفاده می شود

۲.۲. ویژگی های عمده منظر شهر رمانتیک

۱. تنوع در بیان و واژگان طراحی معماری ساختمان ها به گونه ای است که منجر به شکل گیری آن چیزی می شود که به آن بدنه «چند صدایی» می گویند.

۲. وجود تنش شدید در نمای خیابانها ناشی از مجاورت ساختمانهای با ارتفاعات مختلف.

۳. وجود خط آسمان منقطع و شکسته

۴. وجود نماهای بسته به طوری که هر خیابان شروع و پایان خاصی داشته باشد.

۵. در سازه های شهری رمانتیک، عناصر بدنه به عنوان عناصر تکمیلی عمل می کنند و دید را مبهم می کنند، بنابراین برخلاف مناظر کلاسیک، نیازی به استفاده از ستون ها، مجسمه ها و غیره به عنوان عناصر تکمیلی نبود.



شکل ۵ بدنه شهری رمانتیک؛ آمستردام هلند

Romantic urban body, Amsterdam, Netherlands

¹ Sitte

۲,۳. نظریه کامیلوسیتته (۱۸۸۹) در باب الگو بدنه شهری آرایشی و تزئینی

ریشه های تئوریک بدنه شهری روماتیک را به صورت مدون می توان در نظریات کامیلوسیت جستجو نمود. او با دیدگاه های نوستالوژیکی که نسبت به شهرهای قرون وسطایی داشت در زمره اشخاصی چون جان راسکین قلمداد می شود اما تفاوتش در این بود که چون در حیطه عمل اقدام می کرد و نه نظریه پردازی محض، ناچار به پذیرفتن واقعیت شهر مدرن و عصر صنعت نیز شده بود. کامیلوسیتته از شهر مدرن صحبت می کند و آن را یک اثر هنری می داند.

کامیلو سیتته مانند روماتیک های زمان خودش، گذشته را در تقابل حال قرار می دهد اما به جای مردود شناختن یک باره شهر مدرن (کاری که راسکین کرد) به تجزیه و تحلیل یک به یک معایب می پردازند و راه حل هایی را برطرف کردن هر کدام ارائه می دهد که مهم تر از همه، موضوع احیای قسمتی از ارزش های قابل توجه نخستین شهرهای کهن در شهرهای مدرن است. او «هنر» و «مفید بودن» را دو امر متضاد می داند و مشکلاتی را تکنیک به بار آورده است در مقابل موضوع «هنری» بودن شهرها قرار می دهد. (زوکرو: ۱۹۵۹) کامیلو سیت برای رفع زشتی شهرهای عصر صنعت، چاره کار را در بازگشت به شیوه های هنری قرون وسطی پیشنهاد می کند. به نظر وی نحوه ای که در شهر قرون وسطایی، خیابان به میدان می پیوست رابطه بین بازار و کلیسا یا ابنیه اصلی دیگر به وجود می آورد و همه از توازن طبیعی برخوردار بودند که در سیمای شهر آشکار بود. احیای علاقه و توجه نسبت به شهرهای قدیمی به بناهای تاریخی منفرد، به عادت ناخوشایند جدا کردن و مجزا ساختن بناهای قدیمی خاتمه داد. او در این زمینه برای نگهداری مجموعه های کامل معیارهایی بوجود آورد. (کامیلو: ۱۹۰۹)

با پیشنهادهای خود در مورد ساده ساختن مسائل فرمال، معماران را به جانب تحقیق در مسائلی راهنمایی می کند که خواه ناخواه به اصول شهرسازی مدرن منتهی می شود و مهم ترین اقداماتش این است که به عنوان یک معمار پلی میان تئوری و عمل ایجاد می کند. احیای مدل های قدیمی به روشی متفاوت از آنچه در نسخه های امروزی می بینیم انجام می شود. اگرچه کپی ها در نهایت مبتکرانه هستند. تنها از طریق آزمایش می توانیم آنچه را که برای ادغام با شرایط مدرن مناسبتر است، تطبیق دهیم.»

۲,۴. نظریه راب کرییر (۱۹۷۹) در باب الگو بدنه شهری آرایشی و تزئینی

راب کرییر را یکی از مطرح ترین و با استعدادترین معماران قرن بیستم می دانند. کرییر از معماران نئوکلاسیک است؛ وی طرفدار معماری است که عملی و کاربردی و نه سوداگرا و سودمندگرا عمل نماید. او مخالفت صریح خود را با معماری مدرنیستی اعلام می کند و معتقد است معماری مانند آنچه سبک بین الملل عمل می کند، یک مد نیست. کرییر اعتقاد دارد، عدم تناسب در شهرها علاوه بر عوامل مختلف متأثر از ضعف ما در معماری است. وی همچنین می افزاید، می باید به بناهای گذشته و کیفیت معماری آنها احترام قائل بود و آن را حفظ نمود حتی اگر آن بنا کارکرد خود را از دست داده باشد، زیبایی بنا به تنهایی موجودیت آن را تأیید می کند. کرییر معتقد است در دورانی که اصول سبک کلاسیک از جانب نظریه پردازان کاملاً محکوم می شده، به جای آن نظریه مناسبی پیشنهاد نشده است. وی بازگشت به معماری کلاسیک را پیشنهاد نمی کند، بلکه معتقد است معماران می باید از تاریخ و نحوه ساخت بناها در آن درس بیاموزند. (موریس: ۱۹۸۹) در زمینه تناسبات معماری کتابی از کرییر به نام «تناسبات در معماری» در سال ۱۹۸۸ منتشر شد. وی با تأکید به اهمیت تناسبات در ترکیب معماری معتقد است، که پس از انتخاب نوع بنا و عناصر مورد نیاز آن، باید مقیاس مناسبی پدید آورد که یکایک ابعاد هر بخش و رابطه متقابل بین آنها را در برگیرد. وی از دید یک معمار به خوبی قادر است، پلان ساختمان های آشنا را در قوانین طبیعت بازشناسد.

¹ Zucker

وی مطالعه خود در خصوص تناسبات و اجزای بدن انسان را، از تحلیل مطالعات پیشین آغاز می‌کند و اذعان دارد که کتاب مدولار لوکوربوزیه تأثیر فراوانی بر او داشته است. هدف اصلی وی بیان رابطه‌های ابعادی موجود بین هر بخش از بدن و نظم موزون آن‌ها است. علاوه بر کارهای لوکوربوزیه به بررسی مجسمه‌های میکل آنژ و تحلیل تناسبات موجود در آنها می‌پردازد و در نهایت به تحلیل تناسبی بناها و بررسی تناسبات طلایی پرداخته، تناسبات بر اساس مثلث بندی‌ها را شناسایی می‌نماید.

۲,۵. نظریه آلدو روسی (۱۹۶۶) در باب الگو بدنه شهری آرایشی و تزئینی

این شهر چیزی جز تاریخ معاصر نیست و آن مضمون در این جمله حکیمانه نهفته است که شباهت زیادی به گفته کوین لینچ دارد که «شهر نسخه ای از تاریخ است که با آجر، بتن، شیشه، سنگ و غیره ساخته شده است». اینکه بدنه شهری قدرت ارائه فصول متوالی تاریخ جامعه شهری را دارد که روسی به مکتب خردگرایی معتقد بود و مخالف کارکردگرایی مدرنیته بود، بنابراین مخالف کارکردگرایی بود و برای حمایت از اختصار و مصرف، همه انواع ساختمان‌ها ساختمان‌های عمومی را نشان می‌دهند که در آنها اشکال نسبتاً متنوعی (مربع، چند ضلعی، استوانه‌ای) است و بنولو معتقد بود که عملکرد ساختمان از شکل آن کمتر اهمیت دارد، زیرا عملکرد ساختمان می‌تواند در طول زمان تغییر کند و توسعه یابد، اما شکل ساختمان می‌تواند ثابت بماند زیرا او ساختمان‌های موجود و نتایج سعی در ایجاد فرم‌های جدید در شهر دارد و از باورها و گفته‌های معروف روسی که بنا در ابتدا نیاز به فرم دارد، اما نیازی به کارکرد فوری ندارد و آنچه شهر را ایجاد می‌کند، فرم یا فرم است. و تغییرات سریع انقلاب صنعتی و ورود خودروها به شهر را دلیلی بر فرسایش بافت شهری می‌داند.

۳. الگو بدنه شهری عملکرد گرا/ برنامه محور و ویژگی های آن

زیربنای نظری «بدن شهری کارکردی/نرم‌افزار» را می‌توان در دیدگاه‌های نظریه‌پردازان برجسته مدرنیست مانند لوکوربوزیه و سالیوان و همچنین در مانیفست معروف این جنبش، «منشور آتن» یافت و در واقع مفهوم بدن شهری در جنبش مدرن تحت تأثیر «زیبایی شناسی کارکردی» دچار دگرگونی اساسی می‌شود و مفهوم تزئینی و آرایشی سابق خود را تا حد زیادی از دست می‌دهد. مدل بدنه شهری عملکردی/برنامه محور، منظره ای است که از مازول‌های تجزیه پذیر، یعنی نمای ساختمان‌های منفرد تشکیل شده است و شعار معروف معماری مدرن که توسط لوئیس سالیوان پیشنهاد شده است، بیان می‌کند که «فرم از عملکرد پیروی می‌کند» (بنول^۱، ۱۹۷۹؛ برمن^۲، ۲۰۰۰، میلانی^۳ ۲۰۰۳). مفهوم منظر شهری نیز تحت تأثیر منطق «طراحی» از درون به بیرون در این دوره تغییر کرد. نظریه پردازان اصلی مدرنیسم، مانند لوکوربوزیه، بارها اعلام کرده اند که فرآیند طراحی باید از برنامه داخلی آغاز شود. (اکسمن^۴، ۱۹۸۷)

¹ Benevolo

² Berman

³ Millani

⁴ Oxman

مهم ترین ویژگی مدل بدنه شهری کاربردی/نرم افزار محور این است که از مفهوم دیوار دو بعدی خارج شده و در قالب یک ساختار فضایی سه بعدی ارائه می شود. یک شی ابعادی معمولاً "مدل فضایی" نامیده می شود (که به عنوان نقطه مقابل مدل مکان تعریف می شود. سایر ویژگی ها:



شکل ۶ بدنه به عنوان پوسته جداکننده درون و بیرون بنا

۱. تزئینات و الگوهای تزئینی روی نما را حذف می کند

۲. حذف ارجاعات تاریخی در ترکیب بصری منظر

۳. حضور و تسلط تکنولوژی و مصالح مدرن

۴. تاکید بر خلوص گرایی در کاربرد مصالح و رنگ

نقش «شیء شهری کاربردی/برنامه محور» را می توان به دو بخش کاربردی و زیبایی شناختی (عینی) طبقه بندی کرد. نقش شغلی برای این پیشنهاد می تواند باشد:

۱. جدا کردن فضای داخلی از فضای بیرونی ساختمان به وسیله پوشش غیر سازه ای که از آن به «پرده دیوار» تعبیر می شود.

۲. نور، هوا و دید را فراهم می کند.

این سبک نقش زیبایی شناختی (عینی) نیز دارد. بدن از نظر زیبایی شناسی بازتابی از به کارگیری اصول زیبایی شناسی انتزاعی (انتزاعی) است که در ترکیب بصری نماها و پلان ها با آثار نقاشانی چون «موندریان» شباهت هایی پیدا می کند. نتیجه تکیه بر زیبایی شناسی انتزاعی، پیدایش هندسه متعامد در مقاطع، پلان ها، نماها، سطوح صاف و غیره است.

۳, ۱. نظریات لوکوربوزیه در باب الگو بدنه شهری عملکرد گرا/ برنامه محور

لوکوربوزیه معتقد بود که معماری باید از مصالح جدید مانند فولاد و بتن مسلح و تکنیک های جدید ساخت و ساز استفاده کند. این معماری باید منطقی باشد و نوعی آرایش ریاضی را نشان دهد. این ساختار باید قوانین کلی و جهانی، یعنی اصول حاکم بر جهان ما را آشکار کند.

۱. نفی گذشته

۲. معماری را نمی توان به ساختمان هایی که در گذشته ساخته شده اند محدود کرد.

۳. تبعیت فرم از عملکرد: بدن باید مطیع عملکرد باشد.

۴. پهنه بندی صرفاً بیان پاسخ به اهداف توسعه شهری جدید است (لوکوربوزیه: ۱۹۷۶).

دستور العمل های لوکوربوزیه را می توان به شرح زیر دسته بندی کرد:

اول: تخریب ساختمان ها، مجتمع ها یا ساختمان های فرسوده در شهر

دوم: جایگزینی ساختمان، بدنه یا تزئینات جدید با پارچه قدیمی برای ایجاد فضاهای جدید.

سوم: حفظ تعداد محدودی از بناهای ارزشمند به منظور حفظ خاطرات شهری.

آنها مانند لوکوربوزیه بارها اعلام کرده اند که فرآیند طراحی باید از برنامه داخلی یک ساختمان شروع شود و معتقد است که "طراحی در فرآیند خود از درون به بیرون می رود و فضای بیرونی نتیجه فضای درونی است" و آن را "عملکردی/نرم افزار محور" می نامد. به این معنا که کالبد شهری متشکل از مجموعه های مکانیکی (نما) ساختمان های منفرد است که بازتابی بصری از عملکردهای خاص آن ها است و در واقع «کالبدی عملکردی/برنامه محور شهری» منظری «پاک» متشکل از واحدهای مجزا یعنی تک نماها و ساختمانها تشکیل شده است و در کتاب اولش به نام «به سوی یک معماری نوین» بیان می دارد ساختمان سازی هنوز در چارچوب فنون گذشته باقی مانده و نظریه پردازان معماری به دنبال تقلید از سبک های گذشته هستند. در این کتاب لوکوربوزیه استفاده از تیر آهن و بتن و

پیش ساختگی را مسیر آینده معماری تلقی می نماید (قبادیان، ۱۳۸۲: ۶۱) او تکنیک و هنر را دو ارزش هم ردیف با هم تعریف می کند و نظریات خود را بدین شکل شرح می دهد:

۱. معماری باید تحت کنترل ترسیمات نظم دهنده هندسی قرار گیرد
۲. ابزار معماری جدید روابطی هستند که به مصالح خام ارزش می دهند. ظاهر ساختمان به صورت انعکاس داخل آن، و تناسبات و عناصر نما به عنوان پدیده های خالص ذهنی این کار را انجام می دهند.

۳، ۲. نظریات لویی سالیوان در باب الگو بدنه شهری عملکرد گرا/ برنامه محور

لویس هنری سالیوان «پدر معماری مدرن» از پایه گذاران مکتب شیکاگو و معماری مدرن در آمریکا بود. وی برای اولین بار شعار فرم تابع عملکرد را که از شعارهای محوری معماری مدرن است، مطرح کرد. از تزئینات به صورت محدود بر روی ساختمان های خود استفاده کرد و در این زمینه تحت تأثیر نهضت هنر نو در اروپا بود. وی در کتاب خود به نام صحبت های کودکانی ۲ 1901 استفاده از هر گونه تزئینات در ساختمان را رد کرده بود. روش های طراحی، اجرایی و اصول نظری این معماران، که به نام مکتب شیکاگو شهرت یافت و می توان آن را منشور اولیه معماری مدرن محسوب کرد، به قرار ذیل است:

۱. استفاده از اسکلت فولادی برای ساختار کل بنا
۲. نمایش ساختار بنا در نمای ساختمان
۳. عدم تقلید از سبک های گذشته
۴. استفاده بسیار اندک از تزئینات
۵. استفاده از پنجره های عریض که کل دهانه بین ستون ها را می پوشاند.

۳، ۳. نظریه منشور آتن در بافت های تاریخی"

در سال ۱۹۳۳ یک کنفرانس بین المللی در آتن برگزار شد که در آن تمام نظریه های ارائه شده تحت تأثیر ایده های مدرنیته بود لذا همزمان با فروپاشی این جنبش، به شدت مورد انتقاد قرار گرفت (علی و تاجیک، ۱۳۸۶: صص ۸۷-۸۶) در بخشهایی از این منشور چنین آمده است: ماده ۷ - کنفرانس توصیه می کند که ویژگی های شهر و شکل کالبدی آن در ساختمان ها به ویژه نزدیک ساختمان های قدیمی مورد توجه قرار گیرد (فلامکی، ۱۳۸۵: ص ۲۳۸). ماده هشتم می گوید: اگر بخواهیم در محیطی باستانی بنایی بسازیم باید به سبک بناهای اطراف احترام بگذاریم و اندازه بناهای مجاور را در نظر بگیریم و به رنگ و شکل بناها توجه کنیم و ساختمانی که ایجاد می کنیم باید خنثی یا بدون جذابیت خاص باشد. از طرفی نباید آنقدر بزرگ باشد که تناسب ساختمان های قدیمی همسایه را تحت الشعاع قرار دهد و ساختمان های اطراف را از نظر رنگ و شکل تحت تأثیر قرار دهد (القدری، ۱۳۸۵).

در بخش های دیگر این منشور آمده است: زندگی شهر، رویدادی پیوسته است که طی قرن ها اتفاق می افتد. این تداوم شخصیت خاصی به شهر می بخشد (لوکوربوزیه، ۲۰۰۲: ۱۶۹) استفاده از سبک های قبلی در بناهای جدید مستقر در محوطه های تاریخی با تکیه بر ادعاهای زیبایی شناختی، عواقب اجتناب ناپذیری را به دنبال دارد (ماده ۷۰). این برخلاف آموزه های بزرگ تاریخ است و شاهکارهای گذشته نشان می دهد که چگونه هر نسلی روش اختراعات، ایده های خاص خود، زیبایی شناسی خاص خود را داشت و به مجموعه منابع فنی ویژه خود اهمیت می داد (همان: ۱۵۲).

¹ Form Follows Function

² kindergarten chats

۴. الگو بدنه شهری ادراکی / زمینه گرا و ویژگی های آن

مبانی نظری «بدن شهری ادراکی/زمینه‌ای» را می‌توان در نظریه‌های پست مدرن، مطالعات پدیدارشناختی و مطالعات شناخت محیطی، در عمل برای ظهور نوع جدیدی از زیبایی‌شناسی که می‌توان آن را «زیبایی‌شناسی ادراکی یا پدیدارشناختی» نامید، یافت. در این مدل بدن نه تنها از چشم سر که در مدل بدن شهری زیباشناختی/تزیینی و کاربردی/برنامه محور به آن اشاره شده است، بلکه از چشم ذهن و چشم قلب نیز نگریسته می‌شود فرمی که از ترکیب سه دیدگاه ذکر شده به دست آمده است.

نظریه پردازانی چون گردون کالن، لینچ، اپل یارد، لانگ، نصیر، جان گول، هارولد اولمن و همکارانش را می‌توان از طرفداران مهم این نوع آگاهی و تجربه از محیط شهر، از جمله منظر شهری دانست. مفهوم کالبد شهری در این مدل از مفهوم فضایی و سه بعدی فراتر رفته و با در نظر گرفتن بعد «معنا»، جایجایی قاب از یک «ساختار» صورت می‌گیرد "فضا" مدل به پارادایم "مکان" اگر آنچه کریستین نوربرگ شولترز گفت "مکان فضایی است با معنی اضافه شده" و "وظیفه معماری تجسم معناست" را بپذیریم، پس وظیفه طراحانی است که قصد دارند با ایجاد یک کالبد شهری ادراکی/زمینه محور، باید معانی تاریخی، طبیعی و فرهنگی را در محیط شهری جستجو و کشف کنیم و تجسم آنها را در اشکال فیزیکی و بصری نمایان کنیم (لوکوربوزیه، ۱۹۷۶).

سایر ویژگی‌های بدن شهری ادراکی/زمینه‌گرا:

- ارجاعات تاریخی و استفاده از ماتریس های ساختمانی و رنگی

- اهمیت نقش «بُعد زمانی» و موضوع تأثیر متقابل فضا و زمان در قالب حرکت

حفاظت از ساختمان‌ها و بافت‌های شهری ارزشمند بر اساس اصل «حس مکان» گاهی حتی در محدوده حفظ و نگهداری دیوارهای ساختمان‌های قدیمی و افزودن آن‌ها به ساخت‌های جدید کالبد ادراکی/متن شهری «سه عملکردی، زیبایی‌شناختی» نقش‌های عینی و زیبایی‌شناختی (ادراک ذهنی) از نظر عملکردی، بدن شهری عبارتی است درباره گروهی از پوسته‌های ساختمانی که داخل و خارج ساختمان را جدا می‌کنند و وظیفه تامین نور و هوا را نیز انجام می‌دهند (کالن: ۱۹۷۷) نقش زیباشناختی (موضوعی) این کالبد شهری، ایجاد گروه‌های بصری هماهنگ با پیشینه و بافت محیط، علاوه بر توجه به اشارات تاریخی و نمادگرایی شهری است و همانطور که گفته شد، اساساً در این مدل، «کالبد شهری» مستقل از تجربه ادراکی وجود ندارد و به طور خلاصه، کالبد شهری ادراکی بافت محور شامل دو لایه «منظر ذهنی از شهر» و «نمای ذهنی-ارزیابی شهر» است و نمایانگر یک سیستم کامل با "نمای شهر موضوعی" در امتداد است.

۴, ۱. نظریه هارلد و دایلمان و همکارانش در باب پدیدارشناسی

در طول زمان چهار توقع موضوعی از هر بدنه بوجود آمده که ویژگی های بدنه به عنوان یک پیشگفته را تشکیل می‌دهند. این ویژگی های هر یک به نوبه خود، حقانیت داشته و به رغم تضاد ظاهری دو به دوی آنها باهم، در عمل ویژگی هایی هستند که نمی‌توان از هیچکدام از آنها صرف نظر نمود و حتی نمی‌توان یکی را بر دیگری ارجح تر دانست. این چهار ویژگی یا توقع که در واقع وظیفه ای است که هر بدنه شهری ساختمان می‌بایست ایفا نماید، عبارتند از:

۱. وظیفه حفاظتی در مقابل تهدیدهای بیرونی، برف و باران، دزد و حیوانات موذی

۲. وظیفهٔ رابط بین درون و بیرون، نور و تاریکی، سرما و گرمای عمومی و خصوصی و.....

۳. وظیفه معرفی عملکرد و محتوای ساختمان و نمایشگر شخصیت صاحب یا مالک آن

۴. وظیفه ایفای نقشی فعال به عنوان عضوی از فضای شهری

۲, ۴. نظریه ریچارد هدمن در باب الگو بدنه شهری ادراکی/زمینه گرا

«بدن ادراکی/شهری زمینه گرا» دارای سه نقش عملکردی فیزیکی (عینی) و زیبایی شناختی (ذهنی-ادراکی) است و از نظر عملکردی، کالبد شهری مجموعه ای از پوشش های ساختمانی است که داخل و خارج ساختمان را از هم جدا می کند که وظیفه تامین نور و هوا را نیز انجام می دهد. نقش مادی (موضوعی) این منظر شهری ایجاد کلاژهای بصری است که با پس زمینه و بافت محیط درآمیخته و همچنین توجه به ارجاعات تاریخی و نمادهای شهری است و همانطور که گفته شد، اساساً در این پارادایم، «شهری» بدن مستقل از تجربه ادراکی وجود ندارد (هدمن: ۲۰۱۸).

در کتاب طراحی بنیادی شهری ریچارد هایدمن، اولین بار در سال ۱۹۸۴ توسط انجمن برنامه ریزان آمریکا منتشر شد و این کتاب با رویکردی زمینه گرا، اصول و معیارهای طراحی را برای مداخله مناسب و معقول در فضای فیزیکی ارائه می کند که در تعریف طراحی زمینه گرا در این کتاب به موارد زیر اشاره شده است:

طراحی بر اساس بافت به این معناست که ارتباط بصری کافی بین ساختمان های موجود و طرح پیشنهادی وجود دارد، به طوری که نتیجه یک مجموعه منسجم است و هدمن با بررسی نماهای خانه های ملکه آن، مزایای ایجاد ارتباط بصری را معرفی کرد و تاکید کرد که معیارهای مورد استفاده برای تحلیل نباید بر اساس فهرستی از پیش تعیین شده، بلکه بر اساس واقعیت فعلی باشد. ویژگی های تماس ویدیویی در خانه های ردیف خیابان کوئین آن:

تناسبات پنجره ها، برجستگی ها و فرورفتگی های نما

الگوی سایه حاصل از حجم و عناصر تزئینی

جنس مصالح و پرداخت بافت ها

محل و نحوه حل مدخل ورودی

محوطه سازی در صورت وجود

فاصله بین ساختمان ها

فرم و شکل کلی بنا

سبک معماری

خط آسمان

مقیاس بنا

جدول ۳

تصویر	توضیحات	مولفه
	خط افق منحصر به فرد و زیبایی برج ها و شکل پیچیده سقف های شیب دار هویت خاصی را القا می کند. تداوم در دیده، تداوم و یکپارچگی در کل مجموعه	خط آسمان
	شکاف عمیق بین نماها، الگویی از خطوط سایه عمودی ایجاد می کند که نمای ساختمان ها را قاب می کند.	فاصله میان ساختمان ها
	احساس عمق و استحکام در نتیجه عقب نشینی از خط ملک به لبه خیابان به منظور ایجاد فضای کافی برای برجسته شدن	برجستگی ها و فرورفتگی ها
	اگرچه پنجره ها، درها، برآمدگی ها و ستون های این خانه ها شکل های متفاوتی دارند، اما از نظر تناسب مشابه هستند.	تناسبات پنجره ها
	فرم های هندسی سه بعدی پیچیده هویت بخش این ردیف ساختمانی	فرم بنا
	درها و ورودی بالاتر از کف خیابان هستند و حیاطی را نشان می دهند که به یک راهرو یا ایوان عمیقاً فرو رفته با نرده ای برجسته ختم می شود.	معماری محل ورود

ترئینات و رنگ	استفاده بیش از حد از کنده کاری های چوبی، پانل های اضافی، طاقچه های دیوار و سقف، و ترئینات شیروانی نتیجه پیچیدگی و غنای جزئیات است که جلوه ای به یاد ماندنی به این چهره ها می بخشد.
مقیاس بنا	اختلاف ارتفاع با ترکیب فرم ساختمانی پنهان شده است.

۳, ۴. نظریات اپلیارد در باب الگو بدنه شهری اداری/زمینه گرا

اپلیارد در نظریه اش با عنوان « بسط نظریه سیمای شهر » در سال 1976، اعلام نمود که متغیرهای جدی در طراحی یک شهر می باید با کار و حرکت ساکنان، فرم قابل رؤیت محیط و الگوهایی که از دید گروه های جمعیتی گوناگون دارای اهمیت اند، در پیوند باشد. اپلیارد به گسترش نظریه ضرورت توجه به جنبه های واقعی و مختلف رابطه فرد با محیط زندگی در طراحی محیط پرداخت. (اپلیارد: 1976، ص ۴۳۵)

۴, ۴. نظریات راجر ترانسیک در باب الگو بدنه شهری اداری/زمینه گرا

راجر ترانسیک با مطرح نمودن نظریه «کشف فضاهای گمشده» در کتابی تحت همین عنوان در سال 1986، به نقد تأثیرات نوگرایی در معماری و شهرسازی و ارزش های فراموش شده فضاهای شهری سنتی می پردازد. وی معتقد است، فرآیند توسعه شهری تحت تأثیر دگرگونی های دوران نوگرایی، به ساختمان ها به مانند «اشیای منزوی» درون یک منظر طبیعی می نگرد از این رو آنچه که در بیشتر بسترهای محیطی امروز ظاهر می شود، بیشتر فضاها و بدنه های شهری «بی شکل» و «ضد فضا» هستند. (ترانسیک: 1986)

۵. نتیجه گیری

کاربرد چارچوب نظری در پژوهش های تاریخی از جمله راهکارهایی است که طی سالهای اخیر به عنوان یکی از شیوه های ارتقای سطح علمی مطالعات تاریخی پیشنهاد می شود. چارچوب نظری به مجموعه ای از گزاره ها اطلاق می شود که به لحاظ نظری قادر به تبیین یا طبقه بندی متغیر وابسته یا اصلی تحقیق هستند. این گزاره ها ممکن است از یک نظریه خاص گرفته شده باشند یا تلفیقی از نظریات مختلف باشند که همگرایی آنها به لحاظ نظری توسط محقق ثابت شده باشد. در جدول زیر به جمع بندی نظرات تحقیق پرداخته شده است.

جدول ۴ خلاصه نظریات تحقیق (مأخذ: نگارنده) Table 4 Summary of research theories (source: author)

دوره زمان	رویکرد مطرح	نظریه پردازان	سال	عنوان نظریه	مفاهیم کلیدی
دوره اول: انقلاب صنعتی (۱۸۴۰)	آرایی و ترئینی	کاملوسیته	1889	بدنه شهری روماتیک	- شهر به عنوان یک اثر هنری - احیای مدل های قدیمی با روشی متفاوت با آنچه در کپی های امروزی دیده می شود
		راب کریر	1979	تناسبات در معماری	- سبک بین الملل عمل می کند، یک مد نیست - از تاریخ و نحوه ساخت بناها در آن درس بیاموزند - اهمیت تناسبات در ترکیب معماری

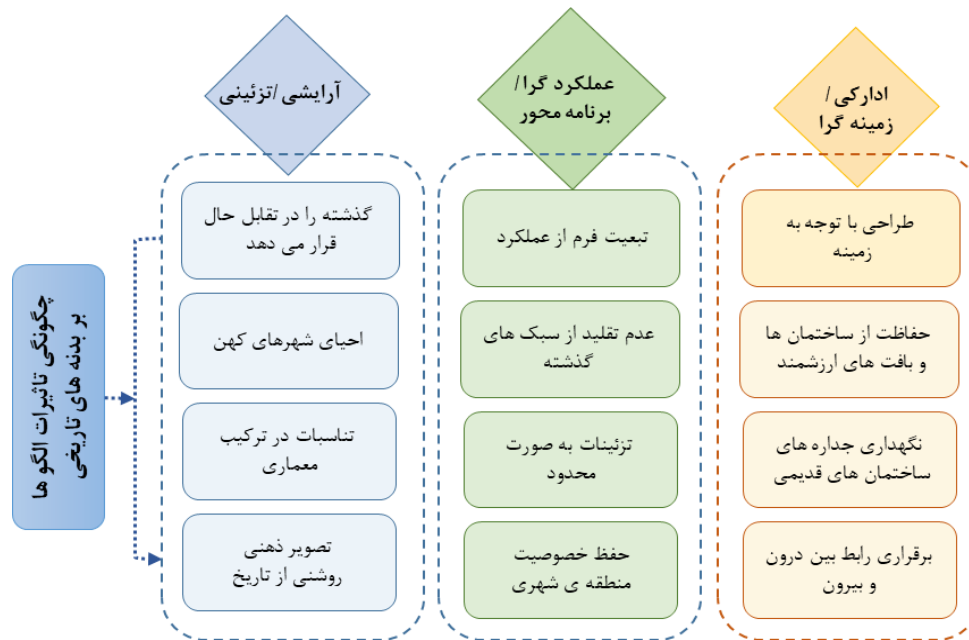
			آلدو روسی	1966	معماری شهر	- عملکرد بنا از اهمیت کمتری نسبت به شکل آن برخوردار است بدنه شهری قادر است فصول پی در پی تاریخ یک جامعه شهری را به نمایش گذارد.
دوره دوم: نو شهر سازی (1960-1970)	عملکرد گرا/ برنامه محور	لو کوربوزیه	1965	تناسبات طلایی	- هیچ کار هنری، بدون یک نظام وجود ندارد - طبیعت مرجع هنرمند طراح تزئینات	
		لویی سالیوان		تبعیت فرم از عملکرد	- کالبد باید در مقابل عملکرد مطیع باشد	
		منشور آتن	1962	حفاظت و مرمت بناهای تاریخی	- از الگوهای قبلی استفاده نکنید - شامل یک ساختمان خنثی بدون گرانش خاص، به طوری که بر اندازه، رنگ و شکل ساختمان های اطراف غلبه نکند.	
دوره سوم: نو شهر سازی (1970-1990)	ادارگی/ زمینه گرا	هارلد و دایلمان	1987	پدیدار شناسی	- انتظارات از نما - وظیفه حفاظتی - وظیفه رابط بین درون و بیرون - معرفی عملکرد و محتوای ساختمان - جزیی از فضای شهری	
		ریچارد هدمن	1984	طراحی زمینه گرا	- معیارهای مورد استفاده در تحلیل - این نباید بر اساس یک لیست از پیش تعیین شده، بلکه بر اساس واقعیت فعلی باشد.	
		اپلیارد	1976	بسط نظریه سیمای شهر	- ضرورت توجه به جنبه های واقعی و مختلف رابطه فرد با محیط زندگی در طراحی محیط	
		راجر ترانسیک	1986	کشف فضاهای گمشده	- فضاها و بدنه های شهری «بی شکل» و «ضد فضا» هستند.	

به همین ترتیب، در بخش مبانی نظری پژوهش، به منظور تبیین موضوع تحولات فرهنگی و سبک معماری در دوره های مختلف، مدل های مختلفی ارائه شده است که روند تکاملی آن ها را می توان مجموعه ای مشتمل بر سه اپیزود توصیف کرد که هر قسمت نشان دهنده یک مدل خاص برای مفهوم بدن شهری، و نشان دهنده یک قیاس است ۱- «سبک تزئینی/تزئینی»، ۲- «سبک

کاربردی/نرم افزار محور»، ۳- «سبک ادراکی/زمینه گرا» که نظریه‌های مرتبط و صحیح‌تر با هم در چارچوب نظری مورد استفاده قرار گرفت.

از نظر مبانی نظری و بر اساس ایده‌های بیان شده، سه مدل مفهومی کالبد شهری مبتنی بر «مدل دیوار تزئینی»، «مدل فضا» و «مدل مکان» است و همچنین تفاوت اساسی بین این سه مدل از نظر نقش‌ها و وظایف وجود دارد که در مدل «تزئینی/تزئینی» بدنه به صورت پنجره دید ظاهر می‌شود که به معنای موجودی دوبعدی است و در مدل «عملکرد/برنامه»، نقش یک ساختار فضایی، یعنی یک موجودیت سه بعدی را ایفا می‌کند. در مدل «شناخت زمینه‌ای» با افزودن ابعاد جدیدی مانند معنای اجتماعی و فرهنگی و حس فضا و زمان، نقش کالبد شهری در حد ساختار اجتماعی- فضایی ارتقا می‌یابد و درک «کالبد شهری» به‌عنوان «ساختار فضایی» (نه به‌عنوان یک دیوار دوبعدی) و به‌ویژه درک آن به‌عنوان «ساختار فضایی-اجتماعی»، نیاز ویژه‌ای را برای مطالعات و مداخله در راستای بهبود منظر شهری ایجاد می‌کند. اقدامی که طراحی بدنه شهر را تنظیم می‌کند و سطح تماس مردم با پدیده شهر را مدیریت می‌کند. (تیان، ۱۹۷۷)

بدنه شهری چیزی فراتر از نصب کاغذ دیواری مجلل و زیبا بر روی دیوارهای شهر خواهد بود، زیرا با رعایت اقدامات سطحی تنها می‌توان «علائم» و نه «علل» بیماری‌های شهری را درمان کرد. نمودار خلاصه این تحقیق به شرح زیر است.



منابع

- برولین، ب.س. (۱۳۸۳). «معماری زمینه گرا - سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم»، مشهد، نشر خاک.
- بل، سایمون (۱۳۸۲). منظر الگو، ادراک، فرآیند، ت: بهناز امین زاده. تهران: دانشگاه تهران.

¹ Tuan

- خاک زند ، مهدی، محمدی، مریم، جم، فاطمه و آقابرگی، کوروش (۱۳۹۳). شناسایی عوامل موثر بر طراحی بدنه های شهری با تاکید بر ابعاد زیبا شناسیو زیست محیطی (مطالعه موردی: خیابان ولیعصر-شهر قم) ، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۱۰، صص ۲۶-۱۵.
- راپاپورت، اموس (۱۳۸۴). معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیر کلامی، ترجمه: فرح حبیب، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران. ص ۲۳
- سیتة، کامیلو (۱۹۹۰). ترجمه فریدون قریب. ساخت شهر بر اساس مبانی هنری. (۱۳۹۵). تهران: دانشگاه تهران.
- شاه تیموری، یلد او مظاهریان ، حامد (۱۳۹۲) . رهنمود های طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه. تاریخی، نشریه ی هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی ، شماره ۴، زمستان ۱۳، ص ۲
- شولتز، نوربرت (۱۳۸۵). معماری حضور زمان و مکان ترجمه علیرضا احمدیان، انتشارات نیلوفر تهران.
- عالی ، حسین و تاجیک، بهرام (۱۳۸۷) . مرمت و احیای بناها بافت تاریخی، جهان جام جم، اول، تهران، صص ۸۶ و ۸۷.
- عمرانی ، منوچهری (۱۳۹۵) : ۵۹
- فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۶). باززنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ ششم، تهران.
- فلامکی، منصور (۱۳۹۱). اصلها و خوانش معماری ایرانی، نشر فضا ، تهران.
- فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۵). شکل گیری معماری در تجارب ایران و غرب. تهران: فضا.
- قبادیان، وحید، (۱۳۸۲) . معماری در دارالخلافه ناصری، (سنت و تجدد در معماری معاصر ایران) ، تهران، پشتون، ص ۶۱
- کالن، گوردن (۱۹۷۷) . ترجمه منوچهر طیبیان (1377) . گزیده منظر شهری. تهران: دانشگاه تهران.
- کالن، گ. (۱۳۸۲). گزیده منظر شهری ترجمه منوچهر طیبیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران،
- گلکار، کورش (۱۳۹۷) . مفهوم منظر شهری. مجله آبادی 47 - 38 : 53
- گلکار، کورش (۱۳۹۵) . از تولد تا بلوغ طراحی شهری، نشریه صفا، شماره ۳۶، صص ۲۳-۸.
- لینچ ، کوین (۱۳۹۷). تئوری شکل شهر، ترجمه: سید حسین بحرینی، ویرایش ۸، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ونتوری، رابرت (۱۳۸۵)، پیچیدگی و تضاد در معماری، ترجمه محمود بشارتی راد و ماهان پزشکیان . تهران: شرکت چاپ انگلیسی.
- هدمن، ریچارد، و آندرو یازوسکی (۱۳۹۸). ترجمه: راضیه رضازاده و مصطفی عباس زادگان. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- یوکیلتو، یوکا (۱۹۹۹). تاریخ حفاظت معماری، ترجمه: محمد حسن طالبیان و خشایار بهادری (۱۳۸۷). روزنه، تهران.
- Abel , Chris .(1997) " Architecture as Identity " and " Living in a Hybrid World ,"
- Appleyard, D. (1979). The Environment as a Social Symbol. Journal of American Planning Association, Pp. 143-153.
- Appleyard, D. (1981), Livable Street: University of California press, Berkley.
- Berman, M. (2000). Experience of Modernity- All That Is Solid Melts into Air, Translated by M. Farhaadpour, Tehran: Tarh-e Nou Publication [in Persian]
- Benevolo, L. (1979). The History of Modern Architecture. Translated by S. Baavar, Tehran: Tehran University Press [in Persian]

- Butzer, K.W. (1980). Context in Archaeology: An Alternative Perspective. Journal of Field Archaeology. Vol.7, No. 4. , 417-422.
- CHadwick; GeorGe (1978) A System View of Planning, Pergamum press.p12.
- Crawford (2006), Urban Morphology and the Problem of the Modern Urban Fabric: Some Question for research, International seminar on urban form.p1.
- Cullen, G. (1961). Townscape. London: The Architectural Press.
- Eisenman ,P, (1986) ,House at Checkpoint Charlie ,© Landesarchiv Berlin, F Rep. 290 Nr. 0284763 / Foto: Günter Schneider
- Foo Tuan Seik. (۲۰۰۰). Subjective assessment of urban quality of life in Singapore, Habitat International, ۲۴, pp. ۴۹-۳۱.
- Feilden, Bernard and Jokilehto, Jukka (first published 1993), Management Guidelines for World Cultural Heritage Sites, ICCROM, Rome.
- Gibson J.J. (1977).The Theory of Affordance. (R.Shawand, J.Bransford.eds.).Perceiving. Acting and Knowing New York: Halsted.
- Gibson J.J. (1979).The Ecological Approach to Visual Perception. Boston: Houghton Mifflin.
- Gibson J.J. (1950). The perception of visual surfaces, Am J Psychol. Fall-Winter; Pp 646-64.
- Golkar. K. (2003). Urban Design from Birth through to Maturity. Journal of Soffeh, 36: 8-23. [in Persian]
- Hartman, V. F. (1995). Teaching and learning style preference. Transitions through technology VCCA. Journal 9(2), 18-20
- Krier, R. (2007). Urban Space. (Kh. Hasheminejad, Trans.). Isfahan: Khak Publication
- Le Corbusier (1976). Athens Charter. Translated bM. M. Falaamaki, Tehran: Tehran University Press [in Persian]
- Lawson, B. (2001). The language of Space. Oxford: Architectural Press.
- Manso, M., Castro-Gomes, J. (2015) Green wall systems: A review of their characteristics, Renewable and sustainable energy reviews, 41: 863-871.
- Messy, D. (1994), Space, Place and Gender, University of Press Minnesota, Minnesota.
- Morris, J. (1989). History of Urban Form. Translated by R. Rezaazaadeh, Tehran: Science and Tychnology university of Iran Press.
- Milaani, A. (2003). Modernity and Counter-modernity in Iran, Tehran: Akhtaraan Publication [in Persian]
- Modiri, A and Noorollahi Oskoe, N, (2014).Evaluation of visual-spatial perception Imam Hosein (as) case study; Odlajan Tehran neighborhood. Motaleat Shahri Journal. No. 11. [in Persian]

- Morris, J. (1989). History of Urban Form. Translated by R. Rezaaadeh, Tehran: Science and Moughtin, C., Oc, T., & Tiesdell, S. (1999). Urban Design: Ornament and Decoration, 2nd Ed. Oxford, Architectural Press.
- Orbasli, Aylin (2008), Architectural Conservation: Principles and Practice, Blackwell Science.
- Ordinance (2004) <http://www.planning.org/conference/coverage/2004/Tuesday/formbased.htm>
- Planning and Architecture Research, Ministry of Housing and urban Development [in Persian]
- Raleigh Historic Districts Commission (2001), Design Guidelines for Raleigh Historic Districts, City of Raleigh, Raleigh, North Carolina.
- Roberts, P.W & Sykes, H. (2000), Urban Regeneration A Hand Book, Sage, London.
- Rapaport, Amos. (1977), Human Aspects of Urban Form, Pergamum Press, UK.
- Raskin, E. (1974). Architecture and People. Englewood: Apprentice.
- Sitte, C. (1998). Town planning According to Artistic Principles. Translated by K. Golkar [in Persian].
- Sieber, R (2006), Public Participation Geographic Information Systems: A Literature Review and Framework, Annals of the Association of American Geographers, 96(3), pp. 491-507.
- Stedman, R. C. (2002) . Towards a social psychology of place: predicting behavior from place- based cognitions, attitude and dentity journal of environment and psychology, (34): 581-561.
- Tranick, R. (1986). Finding Lost Space –Theories of Urban Design. New York: Van Nostrand Reinhold.
- Tuan, Y. F. (1979). Thought and Landscape. In Meinig D.W. (Ed).The Interpretation of Ordinary Landscapes. Oxford: Oxford University Press.

Qualitative investigation of the theories of urban pattern in the construction of intermediate Buildings in the historical context

Peyman bahramifar¹, Vahid ghobadian², Mahnaz mahmoodi zarandi³

Abstract

Introduction: In Iran, there are no laws for the construction of intermediate buildings in the historical context, on the other hand, there is no specific program in organizations such as cultural heritage, the Ministry of Roads and Urban Development and other related organizations in the form of codified and organized laws, and all these organizations are subject to the laws. The Athens Charter states that these laws and regulations are international and do not pay attention to the local aspect; although the implementation of these laws in Iranian organizations has created a structural order in the construction of intermediate buildings; But it has been used for a long time without updating and paying attention to the canvas. Construction patterns in historical contexts are subject to many disagreements among theorists. **Methodology:** In this research, the classification of urban patterns in the architecture of historical bodies in the construction of intermediate buildings in the historical context has been discussed. Also, discussion in this research, urban patterns in the construction of buildings in the historical context are divided into three pattern categories, including 1."Decorative/decorative" pattern, 2."Functional/program-oriented" pattern, 3."perceptual/contextual" pattern, and **conclusion:** In the following the advantages and disadvantages and opinions of other theorists have been discussed in connection with each of the implemented models and examples. It is hoped that by examining this issue, we will be able to find a specific framework for the construction of new buildings in historical contexts in different cities of Iran.

Key words:

Urban pattern - intermediate buildings - historical context - architecture of historical bodies - historical urban context

¹ - PhD student, Department of Architecture, Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates

² - Associate Professor, Department of Art and Architecture, Islamic Azad University, Tehran, Center

³ - Associate Professor, Department of Architecture, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran